



آشنایی با روز معلم

روز ۱۲ اردیبهشت در تقویم جمهوری اسلامی ایران، روز معلم نامگذاری شده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شهادت استاد مرتضی مطهری در روز ۱۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان، این روز به عنوان روز معلم نامگذاری شد.

استاد مطهری در روشنگری اقشار باسواد به ویژه قشر فرهنگی جامعه قدم‌های اساسی برداشته بود و آثار عمیق شهید در احیای فکر دینی اصیل و بی‌پیرایه و منطبق با نیاز روز جامعه در حال گذار ما بسیار مؤثر بوده است.

نقش کلیدی معلمان به عنوان مجریان آموزش عمومی و الگوهای اولیه دانش آموزان بسیار مهم جلوه می‌کند. چرا که معلمان جامعه، انسان سازان نسل بعدی‌اند، لذا نقش آنان به گفته حضرت امام خمینی (ره) همچون نقش انبیا است برای مردم.

از سوی یونسکو، نهاد فرهنگی سازمان ملل متحد، ۵ اکتبر روز جهانی معلم نامگذاری شده است. بیش از ۱۰۰ کشور جهان، از جمله ایران، در جریان تصمیم‌گیری برای نامگذاری روز جهانی معلم حضور داشته و هدف از آن توجه بیشتر نسبت به وضعیت معاش معلمان و کیفیت تدریس است.

همه ساله و در چنین روزی در کشورهای مختلف جهان از مقام و نقش معلمان در جامعه تجلیل می‌شود. جوامع پیشرفته جهان اهمیت آموزش عمومی را به عنوان یکی از مهم‌ترین و شاید تنهاترین عامل توسعه اجتماعی دریافته‌اند و سرمایه‌گذاری‌های عظیم و درازمدتی را روی آن انجام داده‌اند.



ارزش و مقام معلم

شرافت و مرتبت معلم زمانی اهمیت دارد که بتواند شان خداوند و پیامبران را در وجود خود محقق سازد و پیوند انسان به هدف متعالی خلقت یعنی عبادت را برقرار سازد. لذا در این تعریف شهید مرتضی مطهری یکی از آن معلمان راستین است که اولاً با نگاه ترکیبی به همه معارف بشری نظر می کند و ثانیاً تمامی تلاشهای علمی و عملی را مقدمه ای برای عبادت می داند و در این راه به مرحله سوم دینداری راه می یابد و با شهادت، عبادت عملی و علمی خود را کامل می سازد. خداوند را می خوانیم که او را با سالار و سرور شهیدان امام حسین (ع) محشور سازد.

هنر معلمی:

معلمی شغل و حرفه نیست، بلکه ذوق و هنر توانمندی است معلمی در قرآن به عنوان جلوه ای از قدرت لایزال الهی نخست ویژه ذات مقدس خداوند تبارک و تعالی است. در نخستین آیات قرآن که بر قلب مبارک پیغمبر اکرم (ص) نازل شد، به این هنر خداوند اشاره شده است:

اقرا باسم ربك الذی خلق، خلق الانسان من علق، اقرا و ربك الاکرم، الذی علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم. (علق: ۱- ۵)

بخوان به نام پروردگارت که جهانیان را آفرید. انسان را از خون بسته سرشت بخوان! و پروردگارت کریمترین است همان که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی دانست.

در این آیات خداوند، خود را «معلم» می خواند و جالب این که معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده ترین و بهترین شاهکار خلقت، یعنی انسان آورده است. مقام معلم بودن خدا، بعد از آفرینش قرارداد. نوعی انسانی را که هیچ نمی دانست، به وسیله قلم آموزش داد که این از اوج خلاقیت و هنر شگفت خداوند در امر آفرینش حکایت دارد:



چو قاف قدرتش دم بر قلم زد هزاران نقش بر لوح عدم زد

از این رو، می توان گفت که هنر شگفت معلمی از آن خداوند عالم است... شهید ثانی رحمت
الله درباره هنر معلمی خداوند می فرماید:

خداوند از آن جهت به وصف (اکرمیت) و نامحدود بودن کرامتش، توصیف شد که علم و دانش
را به بشر ارزانی داشته است. اگر هر مزیت دیگری، جز علم و دانش، معیار فضیلت به شمار می
رفت، شایسته بود همان مزیت با وصف (اکرمیت) در ضمن این آیات همراه و هم پا گردد و آن
مزیت به عنوان معیار کرامت نامحدود خداوند به شمار آید. کرامت الهی در این آیات با تعبیر
«الاکرام» بیان شده است. چنین تعبیری می فهماند که عالی ترین نوع کرامت پروردگار نسبت
به انسان با والاترین مقام و جایگاه او، یعنی علم و دانش هم طراز است.



گمنامان آشنا

روز معلم، روز بزرگداشت عشق و ایثار است. تجلیل از کسانی که علم را جرعه جرعه در جان ها جاری می کردند. خود لحظه لحظه می سوختند و با دانش خویش، جامعه را می ساختند و فردایی باشکوه را نوید می دادند. امروز، روز بزرگداشت کسانی است که الف قدشان، در راه تعلیم خوبی ها خمیده شد. روز پاسداشت عزیزانی است که در سنگر علم و دانش، سربازانی با اخلاص و دانشمند تربیت کردند. امروز، روز یاد کردن از گمنامان آشناست؛ آنان که دفترهای خاطرات از عطر یادشان آکنده است.

الفبای عشق

معلم عزیز! آن زمان که پای درست می نشستم و تو الفبای عشق را به من می آموختی، دلم از گوهر کلمات خالی بود و من با انبوهی از حرف ها به خانه بر می گشتم و شبانگاهان، با یاد تو به خواب می رفتم. سال ها از آن لحظات شیرین می گذرد، ولی هنوز یاد و نامت در دلم زنده است و تو را می ستایم که همچون انبیا، به تعلیم و تربیت عشق می ورزی. آن زمان برایم از دانایی می گفتی، محبت را می آموختی و زندگی را هجا می کردی، و من در سایه سار وجودت پیش می رفتم و قدم امروز به احترام نامت قیام می کنم، در زلال کلمات رها می شوم و حدیث زندگی را با تو مرور می کنم. از قدم برمی داشتم. تو بودی که دست مرا گرفتی تا در پرتگاه ها و لغزش گاه های زندگی نیفتم.



نیکی ماندگار

بر اساس آموزه های دینی، آموختن دانش به دیگران، آثار معنوی ماندگاری برای آموزگار در پی خواهد داشت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آدمی در روز رستخیز می آید و با خود کارهای نیکی چون ابرهای انبوه یا کوه های سر به فلک کشیده دارد. پس می گوید: پروردگارا! اینها را که من انجام نداده ام، پس از کجایند؟ خداوند می فرماید: این دانش توست که به مردم آموختی و پس از تو بدان عمل کردند». پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این روایت، آموزش را به عنوان نیکی ماندگاری برای معلمان معرفی می کند.

همگام با پیشرفت های علمی

دانایی، اندیشیدن و نوآوری، از ویژگی های معلمی است که همگام با علوم روز پیش می رود. معلم موفق کسی است که به اطلاعات پیشین خود بسنده نکرده، با فراگیری همیشگی دانش، در شکوفایی علمی دانش آموزان خود نقش مهمی ایفا کند. امام حسن علیه السلام می فرماید: «به مردم بیاموز و دانش دیگران را فراگیر تا دانش خود را استوار سازی و آنچه را ندانسته ای، بدانی».



بهترین چیزها

تعلیم و تربیت انسان ها، پاداش فراوانی به همراه دارد و کسانی که خالصانه به امر تعلیم مشغولند، از چنین پاداشی بی نصیب نخواهند بود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «بهترین چیزهایی که انسان پس از خود به یادگار می نهد، سه چیز است: فرزند شایسته ای که برایش دعا می کند، صدقه جاریه ای که پاداشش به وی می رسد و دانشی که پس از وی بدان عمل می شود».

آمزش خواهی ماهیان

یکی از آثار معنوی آموزگاری، برخوردار شدن از محبت بیکران پروردگار و بخشوده شدن خطاهاست. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «جنبندگان زمین، ماهیان دریا، هر جا نداری در هوا و همه اهل آسمان و زمین، برای آموزگار نیکی، آمزش می خواهند». همچنین آن حضرت در جای دیگری سه بار می فرماید: «خدایا! آموزگاران را ببخشای» و سپس افزود: «و عمرشان را طولانی کن و کسب و کارشان را رونق بخش».

برترین بخشنده

معلمان و آموزگاران از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، بخشنده ترین انسان ها دانسته شده اند. آن حضرت می فرماید: «آیا شما را از برترین بخشنده آگاه نسازم؟ خداوند، بخشنده ترین است و من، بخشنده ترین فرزند آدم علیه السلام هستم و بخشنده ترین کس پس از من، فردی است که دانشی می آموزد و آن را منتشر می کند».



مجاهد راه خدا

تعلیم دهندگان علوم و آموزگاران ارجمند جامعه، همانند مجاهد در راه خدا هستند؛ زیرا در راه پرورش شاگردان، از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «هرکس به مسجد من بیاید و هدفش، جز یاد گرفتن یا یاد دادن نیکی باشد، مانند مجاهد در راه خداست و هر کس برای غیر از این بیاید، چون کسی است که به تماشای کالای دیگران آمده است».

برتر از عابد

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره دو مردی از بنی اسرائیل پرسیدند که یکی از آنها دانشمند بود و نماز واجبش را می خواند و سپس نیکی ها را به مردم یاد می داد، و دیگری که روز را روزه می گرفت و شب به عبادت برمی خاست؛ کدام یک برترند؟ حضرت پاسخ داد: «برتری این دانشمندی که نماز واجب را می خواند و سپس می نشست و به مردم می آموخت، بر آن عابد که روز را روزه می گرفت و شب برمی خاست، مانند برتری من بر پایین ترین فرد شماس».

دورترین فرد

معلمان، وظیفه سترگی در برابر شاگردان برعهده دارند و رفتار آنان، از نگاه تیزبین دانش آموزان پنهان نمی ماند. گاه دیده شده که رعایت نکردن عدالت میان دانش آموزان، بعضی از آنها را از مدرسه و علم آموزی فراری داده است. در واقع معلمان وظیفه دارند افزون بر آموزش دانش آموزان، همه آنها را به یک دید بنگرند و هیچ تفاوتی میان آنان نگذارند.



پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «دورترین مردم از خدا، آموزگار کودکانی است که میان آنها به مساوات رفتار نکنند».

شکر نعمت

هر نعمتی در درگاه خداوند نیاز به شکرگزاری دارد و خداوند نیز در صورت شکر نعمت، آن را افزون تر می کند. شکر نعمت دانش، بخشش و گستراندن آن در جامعه است. امام علی علیه السلام می فرماید: «سپاس گزاری دانشمند بر دانشش آن است که آن را به مستحقش آموزش دهد». امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرموده است: «هر چیزی زکاتی دارد و زکات دانش، آموختن آن به دیگران است».

الگوی مناسب

درس دادن، بهانه ای است تا دانش آموز در کنار درس خواندن، در پی نیاز روحی و روانی اش پا را از محیط خانواده فراتر گذارد و وارد فضای گسترده تری به نام مدرسه شود و در آنجا، بر دانسته ها و توانایی ها خود بیفزاید. دانش آموز در پی سرمشقی کامل تر و تواناتر است تا با پیروی از او، خود را از نظر فضیلت های اخلاقی، همانند او گرداند. از این نظر، معلم به سبب برخورد رویارو با دانش آموز، موقعیت ممتازی دارد. ذهن فراگیر دانش آموز، پیوسته از تمامی رفتار و گفتار معلم الگو می گیرد. بنابراین، معلم باید بکوشد خود را به عنوان الگوی مناسب تقویت کند و به اخلاق انبیا و اولیا آراسته گردد.



حق دانش آموزان

رابطه سالم و جهت دار میان معلم و دانش آموز، از مهم ترین عوامل موفقیت معلم به شمار می آید. از این رو، شایسته است معلم برای برقراری این رابطه سازنده، نخست با دانش آموز رابطه ای عاطفی برقرار کند تا زمینه را برای ارتباط فکری و علمی آماده سازد. امام سجاد علیه السلام وظیفه معلم را در مورد شاگرد این گونه بیان می کند: «اما حق کسانی که به شنیدن کلام تو نشسته اند، این است که بدانی خداوند تو را سرپرست و حافظ حقوق آنان قرار داده است و تکلیف تو آن است که آنان را به بیشترین بهره ممکن برسانی. همواره با دانش آموز به خوشخویی و نرمی رفتار کن. این مسئولیت را به خوبی انجام ده و نیازهای معنوی آنان را برآورده ساز. نیز در مورد آنان، خیرخواه و نصیحت گر باش».

رسیدگی به شاگردان

رسیدگی به وضعیت شاگردان، به ویژه در روزهای بیماری، از ویژگی های معلمان برتر است. یکی از شاگردان امام خمینی؛ می گوید: «امام اگر پی می بردند طلبه ای زحمتکش است و درس می خواند، خیلی برای او احترام قایل بودند. در ایام طلبگی، در قم به بیماری سختی دچار شدم. آن مقدار که امام در مدت بیماری به من مهربانی کردند و از من مراقبت نمودند، اگر پدرم در قم کنند» (۱) بود، به این شکل از من مراقبت نمی کرد. این تنها به این دلیل بود که من طلبه ای بودم غریب و در قم درس می خواندم، و روحیه شاگردپروری و غریب نوازی ایشان، موجب شده بود از من مراقبت



انجام وظیفه

یکی از شاگردان شهید رجایی می گوید: براساس رسمی نادرست، یک سال دو سه روز مانده به پایان اسفندماه، بچه ها کلاس ها را تعطیل کرده بودند. آقای رجایی را دیدم که سر ساعت وارد کلاس شد و بعد از مدتی، با دستی گچی از کلاس بیرون آمد. به سرعت وارد کلاس شدم و با می گویم». شگفتی دیدم مطالب درسی جدید را بر تخته نوشته و پیامی به این مضمون به دانش آموزان داده است: من برای انجام وظیفه به کلاس آمدم و درس را نوشتم.

معلمی، عشق و هنر

معلمی، ارزش بسیار والایی در نزد بزرگان ما دارد. آنان به هر شیوه ممکن، از معلمان و مقام پراح آنان یاد کرده اند تا بدین وسیله، انسان ها را از مقام ارزشمند آنان آگاه سازند. شهید رجایی می فرماید: «معلمی شغل نیست؛ معلمی عشق است. اگر به عنوان شغل انتخابش کرده ای، رهایش کن و اگر عشق توست، مبارکت باد». معلمی، هنری است که با درهم آمیختن عشق و علم، جامعه ای را می سازد و به جایگاهی والا می رساند. به اسکندر گفتند: چرا معلم خود را بیش از پدر، بزرگ می شماری؟ گفت: «زیرا پدر من، مرا از عالم ملکوت به زمین آورده و استاد، مرا از زمین به آسمان برده است».



شغل پیامبران

اسلام، معلمی را بسیار مقدس برمی شمارد؛ به طوری که خدای متعالی آن را شغل پیامبران قرار داده و در آیه ۱۶۴ سوره آل عمران و آیه ۲ سوره جمعه، به این مطلب تصریح کرده است. معلم، انسان مقدسی است که تأثیر کلام وی، بیشتر از تأثیر کلام پدر و مادر است. در تاریخ، شواهد فراوانی بر این مسئله وجود دارد؛ از جمله اینکه فرزند یزید وقتی در سال ۶۴ ه. ق به حکومت رسید، چهل روز پس از خلافت، در یک سخنرانی، تمام کارهای پدر و جد خود را ناشایست خواند و آنان را غاصب عنوان کرد و لعن نمود و سپس خود را از خلافت خلع کرد. وی ۲۵ تا ۴۰ روز پس از این ماجرا، در ۲۱ سالگی از دنیا رفت و به گفته برخی، او را مسموم کردند. بنی امیه پس از بررسی، چنین نتیجه گرفتند که معلم او «ابن مقصومی»، دوستی علی علیه السلام را در او به وجود آورده است. پس او را دستگیر کردند و زنده به گور نمودند.

هنر معلم

هنر معلمی این نیست که فقط به تدریس بپردازد، بلکه او باید روحیات انسانی را در شاگرد پروراند و روحیات غیر انسانی او را از بین ببرد. همه خلفای اموی از طاغوت های خودکامه بودند و با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دشمنی می کردند، ولی در این میان، عمر بن عبدالعزیز (هشتمین خلیفه اموی) راه اعتدال در پیش گرفت. او فدک را به فرزندان حضرت زهرا ۳ برگرداند و اهانت به نام علی علیه السلام را که معاویه پس از شهادت آن حضرت رواج داده بود، ممنوع کرد. خود او می گوید: «سخن معلمم درباره امام علی علیه السلام و نیز گفتار پدرم در سینه ام استقرار یافت و با خدا عهد کردم اگر روزی زمام حکومت به دستم رسید، سنت زشت اهانت به علی علیه السلام را ممنوع سازم. بنابراین، وقتی به حکومت رسیدم، به عهد خود وفا کردم».



مدال پرافتخار

یک سال به آقای رجایی خبر دادند که معلم نمونه شده است، آیا حاضر است برای دریافت مدال معرفی گردد. او با بی تفاوتی گفت: «آن را لازم ندارد» و در مقابل تعجب مدیر و دیگران گفت:

«اگر دانش آموزی به هنگام تدریس، درسش را خوب بفهمد و لبخند رضایت بر لبانش نقش بدهد، همان مدال معلم است و به آن افتخار خواهد کرد».

ثواب آموزش در احادیث معصومان:

امام باقر علیه السلام: هر کس یک باب هدایت آموزش دهد جو با آموزش خود، دروازه ای از هدایت را بگشاید، برای او همانند پاداش کسی است که به آن عمل کند و از پاداش عمل کنندگان به آن نیز چیزی کاسته نمی شود. (۲)

امام صادق علیه السلام: هر کس (کار یا علم) نیکویی را به دیگری بیاموزد، برایش همانند پاداش کسی باشد که به آن عمل کند. جراوی می گوید: ج عرض کردم: اگر دانش آموز آن علم را به دیگری بیاموزد، آیا باز هم پاداشی برای معلم اولی هست؟ حضرت فرمود: اگر به همه مردم (هر یک به واسطه دیگری) آموزش دهد، برای او همانند آن پاداش (هر کسی که به آن علم عمل کند) هست. راوی می پرسد: حتی اگر معلم اول از دنیا برود؟ امام صادق علیه السلام پاسخ می دهند: حتی اگر مرده باشد نیز همانند ثواب هر کس که به آن علم عمل کند، بعد از مرگ نیز برای آن علم نخستین معلم خیر منظور می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: اگر کسی علمی را یاد گیرد و آن را به مردم بیاموزد، این کار او صدقه است.



همایش ملی بزرگداشت مقام معلم از نظر بزرگان



پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم : بهترین صدقه،

این است که انسان علمی را یاد گیرد و سپس آن را به

برادر خود آموزش دهد.

معلم از نگاه امام خمینی

شغل معلمی همان شغل انبیاست. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معلم همه بشر است و بعد از او حضرت امیر علیه السلام باز معلم همه بشر است.

وظیفه معلم، هدایت جامعه است به سوی الله .

شما معلمین، یک شغل بسیار شریف دارید.

معلم، امانتداری است که غیر از همه امانت ها، انسان امانت اوست. کلید سعادت و شقاوت یک ملت، دست جقشرج فرهنگی است.

شما باید خیلی توجه داشته باشید که شماها یک مردم عادی نیستید؛ شما معلم نسلی هستید که در آتیه، همه مقدرات کشور به آن نسل سپرده می شود.

صلاح و فساد یک جامعه، به دست مربیان آن جامعه است.

این نونهالانی که امید آتیه کشور اسلامی هستند، اینها امانت هایی هستند در دست معلمین.

توجه کنید که دوره مدارس، مهم تر از دانشگاه است؛ چرا که رشد عقلی بچه ها در این دوره شکل می گیرد.

جوانان عزیزی که استقلال و آزادی کشور در آینده منوط به تربیت صحیح آنان است، قائل باشند. دستگاه های آموزشی متعهد و دل سوز برای نجات کشور، اهمیت ویژه ای در حفظ نوپایان و آیندگان دارد.



شمع همیشه فروزان

معلم، معمار قلب هاست.

چندین سال است بهانه مقدس شهادت معلمی بزرگ و فرزانه، استاد شهید مطهری رحمه الله دست مایه قدردانی و تجلیل از معلم شده است؛ معلمی که انسان ساز و فردا پرداز است و تکریم و تعظیم او، تکریم و تعظیم علم است. معلم، معمار قلب هاست و بذر نور در دل ها می افشاند. قدردانی و تجلیل از معلم، قدردانی از باغبانی است که هر صبح، سبدی از صمیمیت با خود به کلاس می برد و با انگشتان مهربان خویش، بر شاخه قلب ها فردا را پیوند می زند. معلم را توقع نام و نان نیست. این گمنام، هر روز از تنور داغ جاننش، هزاران نان بر سفره گرسنه دل ها می بخشد و از علقمه قلبش، هزاران مشک به خیمه های عطش می رساند. تجلیل معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تأمین، و سلامت امانت هایی را که به دستش سپرده اند، تضمین می کند.

اهمیت علم

آموختن، تنها مورد تأکید مکتب والای اسلام نیست؛ بلکه بسیاری از فرزندگان غیر مسلمان هم چون سقراط، افلاطون، نیوتن و... نیز بر اهمیت آن صحّه گذاشته اند. از دیدگاه اسلام، انسان آگاه با انسان ناآگاه مساوی نیستند. کسی که بدون آگاهی گام در راهی می گذارد و عملی را انجام می دهد، به بیراهه رفته است و هر چه در این بیراهه پیش رود، از مقصد خویش بیشتر فاصله می گیرد. شاید به همین دلیل است که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «هیچ



همایش ملی بزرگداشت مقام معلم از نظر بزرگان

گنجی سودمندتر از علم نیست؛ در فراگیری آن بکوشید
که فراگرفتنش نیکوست». و رسول خدا صلی الله علیه و

آله فراگرفتن علم را بر هر مسلمان واجب می داند و تأکید می کند که ارجمندترین مردم، دانشمندان آنان و کم ارج ترین، کم دانش ترینشان است.

اهمیت تعلیم و تربیت و آثار آن

داشتن علم، به تنهایی ارزش نیست. هستند کسانی که دانش فراوان دارند، ولی مانند ظرفی پر از عسل اند که هیچ منفذی برای استفاده از عسل ها در آن ها نیست. علم دانشمند زمانی اهمیت دارد که آن را به دیگران منتقل کند و البته زکات دانش، آموختن آن به بندگان خداست. عنایت خداوند متعال به معلم پاک نهاد و ایجاد توفیقات بسیار زیاد برای او در صحنه های گوناگون زندگی خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... و نزدیکی به امامان معصوم علیهم السلام یکی از آثار تعلیم است. به اعتراف بسیاری از معلمان، یاد دادن به دیگران، بهترین عامل برای جای گزین شدن مطالب علمی در ذهن است؛ زیرا معلم در مقام تعلیم، راهبر و راهنمای علمی افراد زیادی است و این موقعیت حساس، سبب تلاش او در حل مشکلات علمی می شود که نتیجه اش، بالا رفتن سطح علمی وی نیز خواهد بود. دانش شخصی که بیاموزد ولی تربیت نشود، مانند اسلحه ای است که با آن جان انسان ها را به خطر می اندازد. در قرآن کریم که از تعلیم و تربیت به عنوان هدف پیامبران ذکر شده، در سه مورد تربیت بر تعلیم مقدم گردیده و تنها در یک آیه تعلیم بر تربیت مقدم شده است.

ارزش و مقام معلم

سخنی زیبا از امام صادق علیه السلام ارزش و مقام معلم خوب را روشن می سازد. حضرت می فرماید: «تمامی جنبندگان روی زمین و ماهی های دریا و هر کوچک و بزرگ در زمین و آسمان خدا، برای آموزگار خوب طلب آمرزش می کنند». معلم، شاگردانش، این امانت های



همایش ملی بزرگداشت مقام معلم از نظر بزرگان

الاهی را از آلودگی ها و تباهی ها حفظ کرده و سعی می

کند با تعلیمات خود و تربیت آنان، زمینه رشد و کمالشان

را فراهم آورد. انتظار جامعه از افراد به اندازه ارزش و مقام آنان است و بنابراین، معلمی که این

چنین مقامی دارد، هیچ گاه مرتکب اعمال ناشایست نمی شود.

تأثیر معلم بر شاگرد

شاگردان به خاطر نفوذ روحی و معنوی معلم، تأثیرات شگرفی از او می گیرند که گاهی سرنوشت ملتی را تغییر می دهند. بیشتر انسان های موفق، کامیابی خود را مدیون معلمان خود می دانند و نیز افرادی هستند که سرخوردگی و شکست های زندگی شان، ناشی از برخورد بد معلمان است. استاد شهید مطهری رحمه الله درمورد تأثیر معلم خود حاج آقا میرزا علی شیرازی می گوید: «او بزرگ مردی بود. مرا برای اولین بار با نهج البلاغه آشنا کرد و درک محضر او را همواره یکی از ذخایر گران بهای زندگی خود می شمارم که حاضر نیستم آن را با هیچ چیز معاوضه کنم و شب و روزی نیست که خاطره اش در نظرم مجسم نشود و یادی از او نکنم و نامی نبرم».

سوز و گداز معلم

نخستین و اساسی ترین نشانه معلم نمونه، برخورداری او از سوز و گداز «انسان سازی» است. تنها عده معدودی از انسان ها هستند که همه وجودشان سرشار از سوز و گداز سازندگی است. این افراد عاشق تربیت هستند. قوی ترین انگیزه در آنها، سوز و شوق انسان سازی است. این افراد، از هدایت فردی به شادی و خرسندی دست می یابند. سوز و گداز، اساسی ترین و ضروری ترین ویژگی معلم نمونه است. چنین معلمی به مدرسه و کلاس عشق می ورزد؛ زیرا او



همایش ملی بزرگداشت مقام معلم از نظر بزرگان



در چنین محیطی بهتر و کامل تر می تواند به هدف
انسان سازی خود برسد. یکی از ویژگی های یگانه معلم
نمونه انسان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، سوز و عشق به هدایت و ارشاد انسان ها بود.

هنرمندی معلم

معلم بودن، تنها در انحصار معلومات نیست، بلکه افزون بر معلومات و تخصص، هر معلم باید با
هنر معلمی آشنا باشد؛ یعنی بداند چگونه از معلومات خود بهره بگیرد و به عبارت دیگر، با چه
زبانی با شاگردان سخن بگوید، چه شیوه هایی را در ارتباط با شاگردان در نظر بگیرد و چگونه
با شاگردان ارتباط برقرار سازد. معلم نمونه با بهره گیری از فنون روان شناسی، با قدرت و
مهارت، امواج متلاطم کلاس را آرام کرده، تسلط و توانایی اداره کلاس را عملاً عرضه می دارد.
این روان شناسی معلم برای اداره هر کلاس، شیوه خاصی را در نظر می گیرد؛ چنان که در
خصوص تک تک شاگردان نیز رفتار خاصی را انتخاب می کند. به رعایت همه این اصول، «هنر
معلمی» می گویند.

اخلاق معلم

انسان ها به طور فطری عاشق کمال هستند و بی اختیار در برابر کمال به خضوع درآمده،
جذب آن می گردد. وقتی شاگردی جذب کمالی از کمالات معلم شود، به سوی آن کمال و
صاحب کمال کشیده خواهد شد. تغییرات اخلاقی، با گفتار و پند و اندرز صورت نمی پذیرد،
بلکه کردار و رفتار انسان هاست که موجب دگرگونی در دیگران می گردد.



همایش ملی بزرگداشت مقام معلم از نظر بزرگان

امام صادق علیه السلام در سخنی ارزشمند می فرماید:

«مردم را با اعمال و رفتار خود به خوبی ها دعوت نمایید و

توجه داشته باشید که دعوت زبانی، فاقد ارزش و بها است». هر معلمی «مربی» است و بر این اساس، اخلاق و خوی معلم انسان را می سازد و درس و بحث علمی، بهانه ای بیش نیست.

فروتنی معلم

سزاوار است که معلم خوش خلق و فروتن باشد و با رفق و مدارا با شاگردان ارتباط برقرار سازد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «دانشمندان واقعی سه ویژگی دارند: دانش و بینش، حلم و بردباری، سکوت و آرامش و وقار». کسانی که عقل و خرد بیشتری دارند، قدرت کنترل نفس آنان در مقایسه با دیگران زیادتر است. وقتی بین دو انسان رابطه عاطفی و صمیمی نباشد، خود به خود جدایی بینشان به وجود خواهد آمد؛ زیرا نزدیکی و صمیمیت، بسیاری از توهمات و پیش داوری ها را از بین می برد. معلم متواضع با فروتنی خود، راه ارتباطی را به روی شاگرد می گشاید و شاگرد از این فرصت استفاده کرده، بسیاری از دشواری های فکری و روحی خود را حل خواهد کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «به شاگردانی که درس می دهید و با آنان که از آن ها درس می آموزید، با نرمی و ملایمت رفتار کنید».



ویژگی های معلم موفق

ایمان و توکل به خدا

انسان برای پرواز به سوی کمال، به دو بال علم و ایمان نیاز دارد و معلم که جاده کمال را به شاگردانش می نمایاند، بیش از دیگران نیازمند این دو گوهر است، معلمی که به خدا ایمان ندارد، تنها آگاهی های خود را به شاگردانش منتقل می کند و شاگردان از آن دانش ها در امور دنیایی خود استفاده می کنند، ولی اثری در کمال انسانی آن ها نخواهد داشت. دانشمندان حقیقی، خداپرست و با ایمان بوده اند. بعضی از این دانشمندان، مشکلات علمی خود را با استمداد از خدای بزرگ و راز و نیاز به درگاهش حل می کردند.

امام جواد علیه السلام در این زمینه می فرماید: «ما وسیله و ابزاری بیش نیستیم و معلم واقعی خداست؛ پس باید در کارمان به او توکل کنیم».

اخلاص

معلم در خدمت مقدس خود، لازم است اندیشه اش را از هر چه غیر خداست پاک کند. معلمی که به خاطر پول، مقام، شهرت و... می آموزد، پاداش او همین ها خواهد بود و این امور در مقابل خشنودی خداوند متعال و پاداش بزرگ او بی ارزش است. عمل مخلصانه و قیام خدایی، موعظه رسول خدا صلی الله علیه و آله در قرآن کریم است که می فرماید: «ای رسول ما! (به امت) بگو که من به یک سخن شما را پند می دهم (و آن سخن این است) که برای خدا قیام کنید».



هدایتگری و مدیریت

هدف از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هدایت مردم به سوی خدا بوده است؛ چنان که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «ای رسول ما! تو را فرستادیم تا به اذن خدا مردم را به سوی او دعوت کنی». معلم نیز به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله شاگردانش را به سوی هدایت و نور دعوت، و آنان را از تاریکی های گمراهی و جهل، به روشنایی علم و تقوا هدایت می کند. هم چنین معلم موفق کسی است که در کنار هدایت شاگردان، توانایی اداره کلاس را نیز داشته باشد. عواملی هم چون شوخی زیاد، مجال و میدان دادن بیش از حد به شاگردان، گفتگوی یک جانبه معلم و بی روح بودن کلاس و... به مدیریت او صدمه می زند. با پرسش از دانش آموزان و ایجاد تنوع گفتاری و رفتاری برای رفع خستگی شاگردان و آمادگی روحی و جسمی آنان به صورت های مختلف، می توان کلاس را به خوبی مدیریت و اداره کرد.

استقامت و پشتکار

معلم موفق در راه تعلیم شاگردان و از بین بردن جهل آنان، ثابت قدم و استوار می باشد. ممکن است او بارها و بارها مطلبی را به شاگردان خود، به ویژه کودکان کم سن و سال بگوید، ولی آنان نیاموزند. در این راه باید صبر کرد و دانست که نتیجه صبر، موفقیت است. دل های

شاگردان کند ذهن، از سنگ سخت تر نیست و همان گونه که قطرات آب با گذشت زمان دل سنگ را می شکافد، تکرار و یادآوری مطالب توسط معلم نیز دل های سخت را خواهد شکافت.



داشتن بیان و قلم خوب

ابزار اصلی کار معلم، گفتار و سخن اوست و نیکوست از گفتاری گیرا و پرجاذبه برخوردار باشد. تحولات بزرگ جهان توسط کسانی صورت گرفته که دارای بیانی قوی بوده اند. خطبه ای کوتاه و شورانگیز از امام علی علیه السلام در جنگ صفین، روحی تازه در کالبد بی جان لشکر دمید و توانستند دشمن را تار و مار کرده و شریعه فرات را از سپاهیان معاویه باز پس گیرند. خطبه های پرشور امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیهاالسلام در مرکز قدرت معاویه و یزید، آن چنان تکان دهنده و شورآفرین بود که تبلیغات چندین ساله آل ابوسفیان را نقش بر آب ساخت. اهمیت شیوه سخن گفتن برای معلم، کمتر از توان علمی او نیست. داشتن شیوه نگارشی خوب نیز برای معلم لازم است و از نظر درجه اهمیت، در درجه بعد از سخن گفتن قرار دارد؛ زیرا تهیه جزوه، طرح سؤال برای امتحان و... به روش نوشتاری خوب نیاز دارد.



وظایف معلم

ایجاد روحیه تفکر و تعقل

رکن اساسی در تعلیم و تعلم، فکر کردن است که در دین مبین اسلام، اهمیت فراوانی دارد. امام علی علیه السلام می فرماید: «هیچ دانشی هم چون اندیشیدن نیست». از این رو، معلم می تواند روحیه تفکر را در شاگردان خود ایجاد کرده و از تکلیف و درس زیاد که فرصتی برای تفکر به آنان نمی دهد، بکاهد.

بالا بردن توان علمی خویش

توقف در یک حد از دانش و آگاهی، نقص بزرگی برای معلم است. لازم است معلم همراه با زمان و پیشرفت علوم بر دانش خود بیفزاید. استفاده از تجارب دیگران در زمینه تدریس برای معلم مفید است و بر معلومات او می افزاید. نیوتن، کاشف جاذبه زمین می گوید: «علت ترقی من در کارها این بود که روی شانه غول های علم ایستادم و جهان را بهتر نگریستم». هم چنین لازم است یک معلم موفق، از فراگیری مهارت های آموزشی نوین، غفلت نورزد.



وفای به عهد و عمل به گفته ها

شاگردان در مورد وعده های معلم، حساس اند و قول های او را هرگز از یاد نمی برند. بنابراین، نوشتن وعده ها و تصمیم های روزانه در دفتر کوچکی و عمل کردن به آن ها، نشان از دقت معلم و راهی برای جلب اعتماد شاگردان دارد. معلمی که خود به گفته ها و نکات اخلاقی که بیان می کند عمل ننماید، سخنانش تأثیری نخواهد داشت و دانش وی بی ارزش خواهد بود. عالم بی عمل به «درخت بی بر» یا «ابر بی باران» می ماند. عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: «بدبخت ترین مردم کسی است که او را دانشمند بشناسند، ولی عملی در او دیده نشود». راهنمایی های معلم در زمینه های مختلف در صورتی اثربخش است که خود در عمل به آن گفته ها از شاگردان پیشی گرفته باشد. باید از امام علی علیه السلام درس بگیریم که فرمود: «ای مردم! به خدا قسم شما را به هیچ اطاعتی ترغیب نمی کنم، مگر آن که خود در عمل به آن پیشی گرفته باشم».

آگاهی دادن و ایجاد انگیزه درسی

معلم سخت کوش، افزون به تدریس ماده درسی، دانش پژوهان را با اوضاع و احوال جهان امروز آشنا می کند تا نگرششان به جهان وسعت یابد. انسانی که محدوده فکری اش از چهار دیواری روستا یا شهرش آن طرف تر نمی رود، نمی تواند انسان ارزشمندی شود. خدمت به مردم، کشور و دین دیدی وسیع می خواهد. یک عامل مؤثر در بی رغبت بودن بعضی از شاگردان به ماده درس، انگیزه و هدف نداشتن است که معلم می تواند با معرفی موضوع درس و شناساندن جایگاه آن در بین علوم دیگر، این انگیزه و هدف را به وجود آورد. اگر شاگردان هدف از یادگیری درس مورد نظر و فایده آن را بشناسند، با رغبت بیشتری آن را دنبال می کنند.



خانه دوم

مدرسه، خانه دوم همه بچه مدرسه ای هاست. توی این خانه، آقامعلم و خانم معلم، به جای پدر و مادر هستند و دانش آموزای کلاس که با هم دوست و رفیق اند، مثل خواهر و برادرند. خلاصه، خانه دوم همه ما، اون قدر جذاب و قشنگه که هیچ چی از خانه اول کم نداره. معلم، چراغ این خانه رو روشن نگه می داره. دست مهربونش رو به سر بچه ها می کشه و همه اون ها رو سر سفره علم خودش مهمون می کنه. اون وقت به اندازه اشتهای هر دانش آموز، غذای علم و دانش به اون ها می ده. بچه ها! هر قدر می تونید از غذاهای رنگارنگ معلم بر سر سفره دانش بخورید که پرخوری کردن در کنار سفره علم و دانش، نه تنها بد نیست؛ بلکه خیلی هم خوبه.

کوله بار دانش

یک کلاس بود و چند تا نیمکت. تو هر نیمکت، چند تا دانش آموز و هر دانش آموز با چند تا کتاب. کلاس یک چیزی کم داشت و همه منتظر بودند. از دور، صدای پا اومد. یک نفر به کلاس نزدیک شد. چند ثانیه بعد، کسی وارد کلاس شد. بله، انتظار تموم شده بود و آقا معلم به کلاس اومده بود. بچه های کلاس با صدای برپای مبصر، روی پا ایستادند. معلم، نگاه مهربونش رو به بچه ها انداخت. بعد تشکر کرد و همه نشستند. معلم به سمت تخته سیاه رفت. گچ برداشت و شروع کرد به نوشتن. این کار هر روزش بود. او هر روز پنجره ای به سمت باغ پر گل دانش باز می کرد و ما رو به اون جا می برد و ما هر روز وقت ظهر، پس از گشت و گذار توی باغ دانش، با کوله باری از چیزهایی که یاد گرفته بودیم، به خانه هامون برمی گشتیم.



همایش ملی بزرگداشت مقام معلم از نظر بزرگان

روز سپاس

روز معلم، روز تشکر و قدردانیه. روز سپاس از معلمای عزیزمونه که برای ما خیلی زحمت می کشند؛ اون هایی که تمام وقت خودشون رو برای ما سواد کردن ما بچه ها، صرف می کنن و با تلاش زیاد، به ما خواندن و نوشتن یاد می دن. آرزوی همه معلم ها، اینه که ما درس بخونیم، به شهر علم و دانش وارد بشیم و از صحرای خشک و بی آب و علف نادونی بگذریم...! این طوری وقتی بزرگ می شیم، آدم موفق می شیم و پیروز و سربلند، زندگی می کنیم و به انسان های دیگر هم کمک و خدمت می کنیم. ما می تونیم با درس خوندنمون، آرزوی معلم های زحمت کش رو برآورده کنیم.

یک معلم بزرگ

امروز که روز معلمه، همه جا حرف از یک معلم بزرگه. یک روحانی عالم و دانشمند که شاگردهای زیادی داشت و علم و دانش فراوان خودش روبه اون ها یاد می داد. اسم او مرتضی بود؛ مرتضی مطهری. شهید مطهری، یک نویسنده بزرگ هم بود و کتاب های زیادی نوشت. مردم ایران، شهید مطهری رو خیلی دوست داشتند و قدر معلم بزرگی مثل او رو می دونستند و از او درس های فراوانی گرفتند. اما در دل یک شب تاریک، نقشه شوم آدم های نادون، مطهری رو از ما گرفت. خبر شهادت او، مردم ایران رو در غم بزرگی فرو برد. بچه ها! هر سال، دوازدهم اردیبهشت، روز شهادت این معلم بزرگ که می شه، ما یک تصمیم بزرگ می گیریم؛ تصمیم بر این که مثل او راه دانش رو ادامه بدیم.



مثل یک باغبان

معلم، مثل یک باغبون زحمت کشته که بامراقبت و توجه او، گل ها رشد می کنند. معلم، باغبون باغ مدرسه است و شما دانش آموزای خوب، گل های این باغید. اول مهر که مدرسه ها باز می شه، معلم، شروع به کار می کنه. معلم با هر درسی که به دانش آموزای خوبش میده، بذر دانش رو در ذهن اون ها می کاره و اون ها رو آبیاری می کنه تا این که یواش یواش، بچه ها چیزهای بیش تری یاد می گیرن و ریشه و برگ دانش پیدامی کنن. بعد که علم و دانش اون ها بیش تر و بیش تر می شه، گل دانایی شکوفه می کنه و گل های رنگارنگ علم و دانش تو کلاس، به وجود می آن. بله بچه ها، آخر سال که شما با کارنامه قبولی از مدرسه بیرون می آید، گل های زیبا و خوشبویی هستیکه به دست باغبون مهربونتون، معلم زحمت کش، شکوفه کردید.

الگوی خوب

مریم، یک سیب سرخ جلو خودش گذاشت و یک نقاشی از روی اون تو دفترش کشید. سیب سرخ، الگوی قشنگ وزیبایی بود و نقاشی مریم نمره بیست گرفت. دفتر زندگی ما هم، پر از نقاشی های جور واجوره که به وسیله کارها و رفتارها و حرف های ما کشیده می شن. بچه های گلم! تو دفتر نقاشی زندگی، معلم، الگوی خیلی خوبیه؛ چون معلم، آدم با اخلاق، با ادب و با ایمانیه که اگه همه ما سعی کنیم مثل او باشیم، کارهای درست انجام بدیم و راستگو باشیم، اون وقت ما هم مثل او، انسان مفیدی می شیم که همه بهمون افتخار می کنن. ما هم مثل معلم، الگو می شیم تا بچه های دیگه از روی رفتار و حرف های ما نقاشی کنند و دفتر زندگیشون، از کارها و فکرای خوب پر بشه.



معلمی، شغل پیامبران

تو کلاس جواد، بالای تخته سیاه، تابلوی کوچیکی وجود داره که با خط زیبا نوشته شده «معلمی، شغل انبیاست». وقتی زنگ آخر به صدا در اومد و جواد به خونه رسید، از پدرش خواست تا درباره این جمله برای او توضیح بده. پدر که در حال خوندن یک کتاب بود، کتاب رو بست و گفت: ببین پسر، کار پیامبران، مثل کار معلمان، یاد دادن خوبی هاست. خدای بزرگ، پیامبران رو برای تعلیم و تربیت مردم فرستاده و معلم هم در مدرسه، دقیقا همین کار رو انجام می ده. او به بچه ها علم و دانش یاد می ده، و اون ها رو به سمت خوبی و نیکی، راهنمایی می کنه، پس شغل معلمی هم مثل کار پیامبران، خدایی و مقدسه و همه ما باید مثل پیامبران، به معلمای خوبمون احترام بگذاریم و اون ها رو دوست داشته باشیم.

بهترین هدیه

امروز که روز معلمه، هر کسی دوست داره یک چیزی به معلمش هدیه بده، از زحمت های او تشکر کنه و اونو خوشحال ببینه. امروز، خانم معلم بعد از این که کادوهای بچه ها رو گرفت و از اون ها تشکر کرد، گفت: بچه های گلم، چیزی که منو خیلی خوشحال می کنه، خوب درس خوندن شما و نمره های بیست شماست. من وقتی می بینم شما درس هاتون رو خیلی خوب یاد گرفتید، خیلی خوب درس می خونید و به اون علاقه دارید، از ته دل خوشحال می شم، خستگی خودم رو فراموش می کنم و برای یاد دادن به شما، نیرو می گیرم. بچه های کلاس هم که به راز خوشحالی واقعی معلم پی برده بودند، تصمیم گرفتند همگی حسابی درس بخونن تا خانم معلم رو خوشحال کنند.



سخن نخست

وقتی به کلاس قدم می گذارد، بهار با نسیم نفس هایش می شکفت و گل و
لبخند و زمزمه، فضا را پر می کند. با او آسمان می بارد، چشمه می جوشد، نسیم می وزد و
آفتاب سفره مهربان خویش را می گشاید. از خانه تا مدرسه، با هر گام، بهشت نزدیک تر می
شود. نگاهش خانه مهربانی است و قلبش مهربان تر از آب. دل ها را به طراوت و پاکی و
پاکیزگی می خواند. دست های گرم و صمیمی اش، مشق عشق می نویسد. سرانگشت او افق
های روشن فردا را نشان می دهد و اشاراتش، آن سوی پرده های خاک و ملکوت پاک خدا را.
وسعت شفاف قلب ها، قلمرو اوست و کشتزار جان دانش آموزان تفرجگاه خرمی او.

رسالت معلم

رسالت راستین معلم و رسالت پاک انبیاست. معلم، آنگاه که جز انسان سازی و کمال بخشیدن
هدفی ندارد، همسایه انبیاست. رسول راستی و درستی و سفیر صداقت و سرفرازی است. معلم
کسی است که تشنگان معرفت و دانش را به آب حیات می رساند. خدا معلم است و ۱۲۴ هزار
رسول. همه اولیا و پاکان و برگزیدگان، که قله های آفتابی و دور دست های روشن را فرا چشم
انسان می نشانند. معلم اند اگر ما قدردان معلم نباشیم، خوبی، زیبایی، عظمت و فضیلت
رانادیده گرفته ایم.



معلم در کلام نراقی (ره)

ملا احمد نراقی از علمای به نام شیعه، در گفتاری در باب مقام معلم می گوید:

معلم باید قصدش از آموختن، قرب به خدا و ارشاد و رسیدن به ثواب باشد؛ نه جاه و ریاست و شهرت. معلم باید نسبت به شاگرد مهربان باشد و پیوسته او را اندرز دهد و اندازه فهم شاگرد را در تدریس رعایت کند و با او با او باملایمت سخن گوید و درستی نکند. چیزی که خلاف واقع است تدریس نکند. در آموختن نباید مضایقه کند و بخل بورزد و باید مطالبی را که شاگرد قادر به درک آن نیست بدو نیاموزد.

معلم در نگاه امام (ره)

امام خمینی (ره) کلید سعادت و شقاوت جامعه را در دست معلمان دانسته، در این باره چنین می گویند: معلم اوّل خدای تبارک و تعالی است که اخراج می کند مردم را از ظلمات به نور و به وسیله انبیا و وحی مردم را دعوت می کند به نورانیت؛ دعوت می کند به کمال؛ دعوت می کند به عشق؛ دعوت می کند به محبت؛ دعوت می کند به مراتب کمالی که از برای انسان است. دنبال او انبیا هستند که همان مکتب الهی را نشر می دهند. آنها هم شغلشان این است که انسان را تربیت کنند تا از مقام حیوانیت بالا برود و به مقام انسانیت برسد. همه سعادت ها و همه شقاوت ها انگیزه اش از مدرسه هاست و کلیدش [در] دست معلمین است. این معلمان هستند که می توانند استقلال مملکت را حفظ کنند. اگر در تربیت اعوجاج باشد مملکت از دست می رود.



مقام معلم در آئینه شعر

تجلیل از معلمچندین سال است که به مناسبت سالروز شهادت معلمی بزرگ و فرزانه، استاد شهید مطهری، از معلمان سراسر کشور تقدیر و تجلیل می شود. تکریم و تعظیم معلم تکریم و تعظیم علم است. تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که غایت آفرینش را تامین می کند و سلامت امانت هایی را که بدستش سپرده اند تضمین می کند. هر جا کامی شیرین و سایه مهری گسترده است حضور معلم را، پیدا یا پنهان، می توان یافت. بی شک جامعه ای که همواره حرمت معلم را پاس می دارد، آهنگ رشد و تعالی آن شتاب بیشتر می یابد و سلامت علمی و معنوی آن تضمین می شود و جامعه ای که قدردان خوبان خود نباشد به مرگ خوبی ها و فضیلت ها رضایت داده است و چه مایه تنگ نظری است عمری با آفتاب زیستن و از آفتاب نگفتن! یک خاطره وقتی که از در کلاس وارد شد، همه به احترام او برخاستند. مثل همیشه متین و آرام بود. شور و نشاط رندگی را می شد در نگاه های نافذش دید. چند لحظه سکوت کرد تا کلاس آماده شنیدن کلامش شود. نگاهی به سرتاسر کلاس انداخت و با تبسمی دلنشین کلامش را آغاز کرد: بچه ها شاید امروز آخرین روز درسی من با شما باشد. من فردا برای عزیمت به جبهه، به اهواز می روم و از همه شماها حلالیت می طلبم. اشک گونه بیشتر بچه ها را خیس کرده بود. بعد نسبت به معلم جدید سفارش کرد و از ما خواست در تکریم و احترام او کوشا باشیم. با تک تک بچه ها خداحافظی کرد. حال غریب و خوشی داشت. او رفت و کلاس در نبود او در سکوت فرو رفت. چند ماه بعد مدرسه را در شهادتش عطفافشان کردند. او رفت اما خاطرات خوش او نوازشگر شب های تنهایی بچه ها شد. برای معلم خوبمای معلم خوبم، دوستت دارم و تو را تکریم می کنم؛ چرا که تو به من می آموزی چگونه یادگرفتن را، چگونه خوب بودن را، چگونه زیستن را، چگونه شاد بودن را، چگونه احترام گذاشتن را و چگونه دوست داشتن را. ای معلم خوبم، تو را دوست دارم؛ چرا که راه تو راه انبیا است. اخلاق تو الگوی من برای بهتر زندگی کردن و رفتار تو سرمشق من است. ای معلم خوبم، من از تو مهر، اخلاص، محبت و مهربانی را به یادگار دارم، پس تو را تا ابد دوست خواهم داشت. سوز و گداز



معلماولین و اساسی ترین نشانه معلم نمونه بر خورداری او از سوز و گداز در انسان سازی است. قرآن کریم پیامبر اسلام را که بزرگ معلم تاریخ بشریت است چنین معرفی می کند: «مومنان را دوست دارد و بر هدایت و ارشاد آنان حریص است. عشق به هدایت و ارشاد انسان ها برای معلم کمالی است مطلوب و هیچ معلمی بدون این سوز و عشق نمی تواند موفق باشد. در حقیقت این روحیه موتور محرک معلم است برای تعلیم و تربیت. عشق و سوز معلم باعث می شود که محیط آموزشی محیطی پر شور و نشاط شود. در این محیط معلم و شاگرد امیدوارانه به آینده نگاه می کنند و برای روزهای بهتر و روشن تلاش می کنند. معلم و نفوذ معنوی معلم نمونه بر دانش آموز خود نفوذ معنوی دارد. به هر میزان که کمالات معنوی و علمی معلم گسترده تر باشد، به همان نسبت نفوذش بیشتر خواهد بود. مبدأ هر دگرگونی در شاگردان همین نفوذ معنوی معلم است؛ مثلاً مرحوم علامه، سید محمد حسین طباطبایی، بزرگ مفسر شیعه و صاحب تفسیر کبیر المیزان تحت نفوذ معنوی استاد خویش، مرحوم میرزا علی آقای قاضی (ره)، به اوج مراتب علمی، اخلاقی و فلسفی رسید. هم چنین استاد شهید مرتضی مطهری به شدت تحت تاثیر معنوی استاد خویش حضرت امام (ره) بوده است. هنرمندی معلم یا هنر معلمی معلم بودن تنها به داشتن معلومات دقیق و گسترده نیست. معلم علاوه بر معلومات و دانش باید به هنر معلمی نیز آراسته باشد. هنری معلمی هنر است بسیار دقیق و حساس؛ به طوری که اگر معلمی از آن بی بهره یا کم بهره باشد، هیچ گاه در امر مهم و سرنوشت ساز تعلیم و تربیت موفق نخواهد بود. هنر معلمی متکی بر تجربه و شناخت صحیح روحیات مختلف دانش آموزان است. معلمی موفق است که در سخت ترین اوضاع کلاس و درس، صحیح ترین تصمیم را بگیرد. اگر معلم بتواند در کلاس، فضای دوستی، علم آموزی و شور و شوق نسبت به آینده ایجاد، کند معلمی است موفق و کامیاب. گشادگی و سعه صدر معلم از خصوصیات مهم معلم نمونه سعه صدر او در برخورد با مسائل است. خداوند بر پیامبرشکه بزرگ معلم تاریخ بشر است



منت می نهد که به او شرح صدر عنایت کرده است. این شرح صدر باعث جذب و نفوذ معنوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شده بود. معلم نیز باید الگوی خویش را پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام قرار دهد و از شرح صدر لازم برخوردار باشد. داشتن سعه صدر از هنرهای معلمی است. معلم با گذشت صحیح و به هنگام خویش، فضای درس و کلاس را آرام می کند و دانش آموز در این فضا بهتر پرورش پیدا می کند. یادی از شهید مطهریانتخاب سالروز شهادت استاد مرتضی مطهری به عنوان روز معلم انتخابی بسیار شایسته و به جا است. مطهری انسانی بود که در محضر معلمان و استادان بزرگ حوزه علمیه قم فقه، اصول، کلام، فلسفه و عرفان آموخت و خود معلمی آگاه و بصیر شد. او انسانی وارسته و دردمند بود. دغدغه اصلی او پالایش دین از کجی ها و انحرافات بود و در این راه از تیر بدخواهان و کج اندیشان نهراسید. مطهری با کوله باری از اندیشه های ناب و اصیل اسلامی وارد محیط پرمخاطره دانشگاه شد و با تمام توان و نیرو از اسلام ناب و حقیقی دفاع کرد. او هم در مقابل روشنفکران غرب زده ایستاد و هم در مقابل انسان های متحجر که از دین و مقتضیات زمان خویش آگاهی نداشتند. معلم و ارزش های انقلاب و جنگنسل امروز جامعه ایران اسلامی نیازمند آن است که ارزش های انقلاب و دفاع مقدس را به خوبی بشناسد. این ارزش ها هویت نظام اسلامی ما، و شناخت آن برای جوانان و نوجوانان بسیار ضروری است. معلمان که معماران اصلی شخصیت جوان و نوجوانند رسالتی مهم در این زمینه دارند. معلم باید با بیان شهادت ها، ایثارها و جانبازی های رزمندگان اسلام یاد و خاطره هشت سال دفاع مقدس را در ذهن ها زنده نگه دارد و نسل جدید را با آن حماسه ها آشنا سازد.



شمعی است گدازنده سراپای معلم

عشقی است پراکنده به رگ های معلم

در راه هنر سوزد و اندر ره دانش

قلب و تن و جان و همه اجرای معلم

در ظلمت گمراهی و در تیرگی جهل

نوری است فروزان، دل بینای معلم

فارابی و سقراط و فلاطون و ارسطو

کردند به بد کسوت زیبای معلم

کی بود نشانی ز تدقی و تمدن

هر گاه نبذ، فکر توانای معلم

آموزش، از شئون الهی است و خداوند، این ویژگی را به پیامبران و اولیای پاک خویش ارزانی کرده است تا مسیر هدایت را به بشر بیاموزند و چنین شد که تعلیم و تربیت، به صورت یکی از سنت های نیک آفرینش در آمد. معلمی، کرامتی سترگ و تحفه ای آسمانی است که خداوند به انسان داده است. از زلال وجود معلم، نهال های تشنه دانش، در کویر نادانی سیراب می شوند. کوشیده ایم سیمای واقعی معلم را ابتدا از زلال کلمات بزرگان دین و سپس در قالب داستان ها و حکایت هایی آموزنده ترسیم کنیم تا شاید اندکی از مقام والای معلم قدردانی کرده باشیم.



معلمی از دیدگاه بزرگان

معلم از دیدگاه معصومان علیهم السلام

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله : «در میان صدقه هایی که مردم می دهند، هیچ صدقه ای ارزنده تر از یاد دادن علم و دانش نیست».

امام علی علیه السلام : «کسی که در مقام هدایت و آموزش قرار می گیرد، باید بیش از آموختن به دیگران، خود را پالایش روحی کند و ادب رفتاری اش، بیش از ادب گفتاری اش باشد».

امام سجاد علیه السلام : «اگر معلم وظیفه معلمی را بداند و به آن عمل کند، خداوند نعمت دانش را بر او بیشتر خواهد کرد».

معلمی در کلام امام خمینی رحمه الله

حضرت امام خمینی رحمه الله درباره مقام معلم می فرماید: «نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست؛ انبیا هم معلم بشر هستند. نقش معلم، بسیار حساس و مهم است و مسئولیت بسیار زیادی دارد. نقش مهمی است که همان نقش تربیت است که اخراج من الظلمات الی النور است. معلم، امانت داری است که [امانت او] غیر از همه امانت هاست؛ انسان، امانت اوست. امانت های دیگر را اگر کسی خیانت به آن بکند، خلاف کرده است، اما امانت اگر انسان باشد، اگر خدای نخواست به این امانت خیانت شد، یک وقت می بیند خیانت به یک ملت است، خیانت به یک جامعه است، خیانت به اسلام است. معلم، امانت دار نسلی است که تمام مقدرات یک کشور، به آن نسل سپرده می شود و تربیت شما باید همراه با تعلیم باشد».



معلمی در کلام مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در مورد معلم می فرماید: «شما [معلم ها] در سر کلاس، نه فقط درسی که می دهید، بلکه نگاهی که می کنید، اشاره ای که می کنید، لبخندی که می زنید، اخمی که می کنید، حرکتی که انجام می دهید و لباسی که می پوشید، بر روی دانش آموز اثر می گذارد. ما به خودمان که مراجعه می کنیم، عمیق ترین احساسات و عواطف و حالات خودمان را اگر ریشه یابی کنیم، در انتهای خط، یک معلم را مشاهده می کنیم. معلم است که ما را می تواند شجاع یا جَبان، بخشنده یا بخیل، فداکار یا خودپرست، اهل علم و طالب علم و فهم و فرهنگ، یا منجمد و بسته و پای بند به تفکرات جامد بار بیاورد. معلم است که می تواند ما را متدین، باتقوا، پاک دامن، یا خدای ناکرده بی بندوبار، بار بیاورد. معلم چنین نقشی دارد. این ارزش معلم است و این تأثیر معلم است».

معلم اول و نخستین درس

معلمی در قرآن به عنوان جلوه ای از قدرت بی پایان الهی، نخست ویژه ذات مقدس خداوند تبارک و تعالی دانسته شده است و در آیات اول تا پنجم سوره علق، خداوند، خود را معلم می خواند. امام خمینی رحمه الله در این مورد می فرماید: «معلم اول، خدای تبارک و تعالی است... به وسیله وحی، مردم را دعوت می کند به نورانیت، دعوت می کند به کمال، دعوت می کند به محبت، دعوت می کند به مراتب کمالی که از برای انسان است».



داستان هایی از معلمان

گشاده رویی معلم

زنی از بانوان مدینه خدمت حضرت زهرا علیهاالسلام رسید و پرسشی را مطرح کرد. حضرت پاسخ داد. او پرسش های دیگری کرد و باز حضرت پاسخ داد تا اینکه به پرسش دهم رسید و آن حضرت پاسخ فرمود. در آن لحظه، آن زن شرمند شد و گفت: بیش از این مزاحم نمی شوم. حضرت فاطمه علیهاالسلام با گشاده رویی فرمود: هر چه می خواهی بپرس. اگر به کسی صد هزار دینار بدهند که بار سنگینی را بر بامی ببرد، آیا با توجه به آن مزد زیاد، احساس خستگی می کند؟ گفت: نه. فرمود: من در مقابل هر پاسخ که به تو می دهم، مزدی هزاران بار بیش از آن می گیرم و شایسته است هرگز خسته و ملول نشوم.

امام حسین علیه السلام و مقام معلم

شخصی به نام عبدالرحمان، مدتی آموزگار کودکان و نوجوانان بود. یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام نیز به مکتب او می رفت. معلم، آیه شریفه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» را به کودک آموخت. امام حسین علیه السلام به دلیل این کار نیک، هزار دینار طلا همراه با پارچه هایی گران قیمت و مرواریدهایی بسیار به معلم او هدیه داد. شخصی از امام پرسید: آیا آن همه پاداش به معلم رواست؟ حضرت در پاسخ فرمود: آنچه به او دادم، چگونه با ارزش آنچه به پسرم آموخت برابری می کند.



ابن سینا و ابن مسکویه

ابوعلی سینا هنوز به بیست سالگی نرسیده بود که بسیاری از علوم زمان خود را فراگرفت و در علوم الهی، طبیعی، ریاضی و دینی، سرآمد عصر شد. روزی به مجلس درس ابوعلی بن مسکویه، دانشمند معروف آن زمان حاضر گردید. سپس با کمال غرور، گردویی را جلو ابن مسکویه افکند و گفت: مساحت سطح این را تعیین کن. ابن مسکویه جزوه هایی از یک کتاب را که در علم اخلاق و تربیت نوشته بود، به ابن سینا داد و گفت: تو نخست اخلاق خود را اصلاح کن تا من مساحت سطح گردو را تعیین کنم. ابوعلی از این گفتار شرمسار شد و این جمله، راهنمای اخلاقی او در همه عمر قرار گرفت.

معلم و شکوفایی شاگرد

روزی ابوعلی سینا از جلوی آهنگری می گذشت. کودکی را دید که از آهنگر مقداری آتش می خواهد. آهنگر گفت: ظرفت را بگیر تا آتش در آن بریزم، ولی چون کودک ظرف نیاورده بود، بی درنگ خم شد و مقداری خاک از زمین برداشت و کف دست خود پهن کرد و گفت: بریز. ابن سینا از تیزهوشی او در شگفت ماند. جلو رفت و نام کودک را پرسید. پسرک گفت: نامم بهمنیار است و از خانواده ای زرتشتی هستم. ابن سینا او را به شاگردی خود پذیرفت و در تربیتش کوشید. بهمنیار اسلام پذیرفت و یکی از حکیمان و دانشمندان روزگار خود شد.



فروتنی معلم

آیت الله العظمی بروجردی با اینکه مقام مرجعیت داشت، ولی با شاگردانش بسیار فروتنانه برخورد می کرد. ایشان گاه در درس، با بعضی از طلبه ها مباحثه تندی می کرد، ولی پس از درس از آنان عذر می خواست تا از مجلس درس با افسردگی خارج نشوند. از این رو، با خود عهد کرد اگر با کسی تندی کند، یک سال پی در پی روزه بگیرد. از روی اتفاق، روزی سر درس تندی کرد. به همین دلیل، به عهد خویش عمل نمود و دوازده ماه پی در پی روزه گرفت و از آن پس، تا آخر عمر کسی را ناراحت نساخت.

معلمی علامه

یکی از شاگردان علامه طباطبایی، جلسه درس و بحث ایشان را الگویی آموزشی و بسیار مفید برای حق جویان می داند و می فرماید: «علامه خیلی آرام و آهسته تدریس می کرد. از پراکنده گویی پرهیز داشت. در عوض، کم گوی و گزیده گو بود و بحث ها را با عباراتی کوتاه، اما متین و محکم بیان می کرد. وقتی می خواست درسی را آغاز کند، نخست موضوع را روشن و ابعادش را تشریح می کرد و بعد به استدلال در مورد آن می پرداخت. اگر حتی می خواست نظر فردی را رد کند یا مورد انتقاد قرار دهد، از عبارات ملامت گونه و سرزنش کننده استفاده نمی کرد. جلسه درس ایشان به صورتی بود که اگر شاگردی به درس ایشان انتقادی داشت، با مهربانی سخن او را گوش می داد و با کمال احترام او را متقاعد می کرد. علامه از اینکه با صراحت بگوید نمی دانم، ابایی نداشت. بارها اتفاق می افتاد که می گفت باید این موضوع را ببینم یا اینکه لازم است در خصوص آن فکر کنم، بعد جواب دهم».



رجایی، معلم شهید

شهید رجایی در سال ۱۳۱۲ در قزوین به دنیا آمد. او با همت مادرش دوره ابتدایی را در شهر قزوین به پایان برد و سپس به تهران رفت. رجایی هم زمان با کار و فعالیت، به طور متفرقه ادامه تحصیل داد و پس از دانش آموختگی، با راهنمایی آیت الله طالقانی به معلمی روی آورد. شهید رجایی به معلمی عشق می ورزید و کلامش این بود که: «اشتباه کردم شغل معلمی را انتخاب کردم؛ چون مسئولیت آن خیلی سنگین است. اگر قرار باشد بار دیگر آزادانه شغلی را انتخاب کنم، باز همین اشتباه را تکرار می کنم.» او همچنین می گفت: «معلمی شغل نیست؛ عشق است. اگر به عنوان شغل انتخابش کرده ای، رهایش کن و اگر عشق توست، مبارکت باد».

تدریس بدون دانش آموز

یکی از شاگردان شهید رجایی می گوید: بر اساس رسمی نادرست، یک سال دو سه روز مانده به پایان اسفند ماه، بچه ها کلاس ها را تعطیل کرده بودند. آقای رجایی را دیدم که سر ساعت وارد کلاس شد و بعد از مدتی با دستی گچی از کلاس بیرون آمد. فوراً وارد کلاس شدم. با شگفتی دیدم مطالب درس جدید را بر تخته نوشته و پیامی به این مضمون به دانش آموزان داده است: «من برای انجام وظیفه به کلاس آمدم و درس را نوشتم. سال نو را به همه تبریک می گویم».



همایش ملی بزرگداشت مقام معلم از نظر بزرگان

YarKetab
سازمان برگزاری مسابقات کتابخوانی
YarKetab

منبع: دانشگاه بوعلی سینا

معلم ساربان علم و عشق است



ای معلم تو را سپاس ...